

دو تخم مرغ در مه

طرح‌های سینمایی

شهرام شکیرا

کتاب نیستان

شکیبا، شهرام.

دو تخم مرغ در مه / شهرام شکیبا.

تهران: کتاب نیستان، ۱۳۸۹.

ISBN: 978-964-337-614-7

ملز فارسی - قرن ۱۴.

سینما - ایران - لطیفه، هجو و طنز

PIR ۸۱۲۳ / ۱۳۸۹ ۹۶۲۴۹

۸۵۷/۶۲

۱۹۲۳۳۹

دو تخم مرغ در مه

شهرام شکیبا

طرح جلد از فرزاد ادیبی

کتاب نیستان

چاپ اول ۱۳۹۰ ۲۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۷-۶۱۴-۷

لینوگرافی: گرافیک گستر

چاپ و صحافی: کانونچاپ

تلفن: ۲۲۶۱۲۴۴۳-۵

۲۳۰۰ تومان

ارتباط با شما: پیام کوتاه ۳۰۰۰۸۵۵۲

www.neyestanbook.com

فهرست

- مقدمه ۷
- مرد ذلیل مرده یا دست من و تو باید این پرده‌ها رو پاره کنه ۱۳
- مرگ بر پولدارها یا چگونه در رئالیسم سوسیالیستی با دو تخم مرغ، زخم‌های مشترک انسجام می‌آفرینند ۱۸
- مرغانه یا مجلس به خواویار فروشی اندر شدن سیاوخش و مزده خانوم .. ۲۳
- بعد از ظهر سگی یا آخه اینم شد وضع! ۲۷
- حیرت دمیده‌ام گل داغم بهانه‌ای ست یا طاووس جلوه‌زار تو آینه خانه‌ای ست ۳۳
- زیر درختان سنجد یا چگونه می‌توان هر موجود زنده را رنگ نمود و به کن فرستاد؟ ۳۸
- همه آثار محسن! ۴۴
- تخم سی مرغ یا تخم سیمرغ ۵۸
- دو تخم مرغ در معاونت‌های سینمایی گوناگون ۶۴
- فولاد (فیلم مسعود کیمیایی) یا منطق در تنش امتداد معقول است ۷۶
- اردوگاه تخم مرغی یا اختراچی‌ها ۱/۳ ۳۳ ۸۲
- تخم مرغ دو زرده یا باز هم تخم مرغ دو زرده ۸۹

مقدمه:

هر سال همزمان با برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم فجر بولتنی هم از سوی بنیاد سینمایی فارابی منتشر می‌شود. چند دوره در این بولتن کار کرده‌ام و دو سال متوالی هم در آن طنز روزانه نوشته‌ام. هر روز داستان آثاری که دیده بودم را به همراه اتفاقات و حواشی جشنواره، دستمایهٔ مثنوی طنزی می‌کردم که در بر مقارب مثنی محذوف (هم‌وزن شاهنامهٔ فردوسی) سروده می‌شد و در واقع نقیضه‌ای بود بر اثر حضرت فردوسی. نام هر کدام از مثنوی‌های آن دو سال را هم بر اساس نام مدیر کل معاونت سینمایی وزارت ارشاد، انتخاب کرده بودم؛ سال اول «دادنامه»^(۱) و سال بعد «پزشک‌نامه»^(۲). اما طبیعتاً به خاطر ناشر بولتن که فارابی بود، دستم در شوخی‌ها باز نبود.

بهمن ماه سال ۸۷ دوستان قدیمی، حمیدرضا ایک و علی معزی تماس گرفتند که «می‌خواهیم ویژه‌نامهٔ جشنوارهٔ فجر در بیاوریم، بیا طنز بنویس، اما اگه بدقولی و تبلی نمی‌کنی!» این ماجرای تبلی و بدقولی مدت‌ها بود که همراه اسم من شده بود و نمی‌دانم از کجا. تصمیم گرفتم یک بار برای همیشه پاک کنم این دو صفت کوفتی را. گفتم: «یک ستون نمی‌نویسم، اگر یک صفحهٔ کامل می‌دهید که یک مطلب نثر و یک نظم بنویسم، می‌آیم و گرنه، نه!» آنها مردد پذیرفتند و من مصمم.

فکر می‌کردم برای بولتن رسمی جشنواره (همان که مال فارابی‌ست) باید کار کنم، رفتم دیدم ماجرا چیز دیگری‌ست. روزنامه «خبر» که سال‌ها روزنامه مرده‌ای بود، بناست احیا شود و ویژه‌نامه بیست و هفتمین جشنواره فیلم فجر هم اولین اعلام حضور جدید روزنامه است. تیم کاملاً حرفه‌ای بود. موفقیت روزنامه «خبر» هم مؤید همین ماجراست.

در مطلب روزانه نهمین برای ۱۲ روز، یکی «نگره مؤلف» و یکی «لیلی و مجنون تحت ویندوز» اولی به نثر و دومی به نظم. خیلی زود هر دو خواننده‌های بسیار به تعداد تیراژ ویژه‌نامه پیدا کرد. چون دولتی نبودیم، دستم برای شوخی بازتر بود. البته سعه صدر برادرانم، علی معزی، محمدهادی پروین، حسین معززی‌نیا و حمید ابک هم آزادی عملم را بارها بیشتر می‌کرد.

این کتاب که به همت دوستانم در انتشارات نیستان فراهم آمده، در برگیرنده مطالب همین ویژه‌نامه روزنامه خبر است که شرحش رفت. اما فقط مطالب نثر که با سر کلیشه «نگره مؤلف» چاپ می‌شد. شعرها همانند برای بعد.

یک سوژه کلی انتخاب کرده بودم، «خریدن دو تخم مرغ، از یک مغازه». البته برحسب سبک و شیوه و وجه قالب صوری و معنوی آثار کارگردان موردنظر، فضا متغیر است. قالب قرار است فیلم‌نامه باشد، اما گاه به فراخور موضوع، درباره میزانشن یا وضعیت نماها هم چیزهایی نوشته‌ام و گاه اساساً وارد ماجراهای دیگری شده‌ام.

متشکرم از همه فیلمسازان ارجمندی که با آثارشان شوخی کردم و با بزرگواری شوخی‌ها را پذیرفتند و گاه تشکر هم کردند و متأسفم برای

جماعتی که اساساً طنز نمی‌فهمند (البته خیلی چیزهای دیگر هم اصولاً نمی‌فهمند) و معترض می‌شدند که چرا با فلان استاد شوخی کرده‌ای و... جالب است جماعت فحش‌های چارواداری (چارپاداری) می‌دادند و گاه خط و نشان می‌کشیدند و متهم می‌کردند به هزار جور ماجرای ناجور، که چرا با فلان فیلمساز که نگاه انسانی دارد و آثارش سراسر تعلیم انسانیت است شوخی کرده‌ای. خودشان را مخاطب آثار بزرگان و تعالیم انسانی می‌دانستند ولی مثل مخاطبان مست و لات و لوت فیلم فارسی برخورد می‌کردند و تهمت می‌زدند. واقعاً اینها این تعالیم ارجمند را از نگاه انسانی و روشنفکرانه اساتید مذکور آموخته‌اند؟! بگذریم.

در نوشتن این مطالب گاه به یک اثر خاص از هنرمند مذکور توجه داشتم و گاه ارجاعات به چند فیلم برمی‌گشت که برای روشن‌تر شدن قضایا تا جایی که حافظه یاری کند، برایشان می‌گویم.

۱. مرد ذلیل مرده ...

در نوشتن این مطلب به وجه قالب فمینیسم در آثار خانم تهینه میلانی نظر داشتم. البته شاید کمی هم یاد فیلم «دو زن» بیفتید. ماجرای قتل هیبت هم بی‌شبهات به سکانس پایانی «غزل» ساخته مسعود کیمیایی نیست.

۲. مرگ بر پولدارها...

در نوشتن این مطلب به وجه قالب فقر در آثار مجیدی نظر داشتم، با توجهی ویژه به سوژه اصلی «بچه‌های آسمان».

۳. مرغانه ...

در نوشتن این مطلب از نثر و ادبیات خاص فیلم‌نامه‌نویسی بیضایی،

بالاخص در فیلم‌نامه‌های تاریخی‌اش مانند «سیاوش‌خوانی» کمک گرفتیم. البته با توجه خاص به «سگ‌کشی» و «وقتی همه خوابیم».

۴. بعد از ظهر سگی ...

همه آنچه نوشته‌ام را از «آژانس شیشه‌ای» وام گرفته‌ام و رنگ طنز به آن زده‌ام. البته در یک دیالوگ هم اشاره‌ای گذرا داشته‌ام به سوژه «دعوت».

۵. حیرت دمیده‌ام گل داغم بهانه‌ای ست ...

این مطلب اساساً برای فیلم «می‌زاک» و بر اساس اتفاقات و وجوه غالب همین اثر لیبائستانی نوشته شده.

۶. زیر درختان سنجدر ...

نگاهی داشته‌ام به «زیر درختان زیتون» البته فقط سفر کردن پدر و پسر با رنو را از آن اثر کیارستمی گرفته‌ام. مهم‌ترین چیزی که سعی کردم القا شود ریتم کند در روایت اتفاقات معمول زندگی در آثار کیارستمی است.

(برای این مطلب بیشتر از باقی مطالب فحش شنیدم!!)

۷. همه آثار محسن ...

نگاهی به برخی از آثار مخملباف برای نشان دادن تحول!

۸. تخم سی مرغ ...

این تنها مطلبی است که به سینما ربطی ندارد و مشخصاً برای سریال تلویزیونی «چهل سرباز» ساخته آقای محمد نوری‌زاد، نوشته شده.

۹. دو تخم مرغ در معاونت‌های سینمایی گوناگون ...

تلاشی برای نشان دادن وجه غالب آثار در هر دوره از معاونت‌های

سینمایی ارشاد که طبیعتاً نشانگر شکل نگاه به سینما در هر دوره و آثار شاخص تولید شده بر اساس آن نگاه حاکم بر سینماست.

۱۰. فولاد (فیلم مسعود کیمیایی) ...

استفاده کرده‌ام از شکل فیلمنامه‌نویسی کیمیایی، نگاهش به سیاست، شخصیت‌هایی که می‌سازد، منطق آدم‌های آثارش، شیوه دیالوگ‌نویسی او و خیلی چیزهای دیگر که از همه آثارش گرفته‌ام.

۱۱. اردوگاه تخم‌مرغی ...

فکر می‌کنم در خود مطلب همه چیز را گفته‌ام. مطلب بعد از دیدن اخراجی‌ها ۲ نوشته شده. البته واقعاً وزیر ارشاد وقت سر صحنه فیلمبرداری این اثر حاضر شده بود، مثل اخراجی‌ها ۱ که خیلی عجیب است. اساساً در طول تاریخ وزیر سر صحنه فیلم‌های دیگر رفته است؟

۱۲. تخم‌مرغ دو زرده ...

نقد نوعی نگاه که مربوط به شخص خاصی نیست. مربوط به طیفی سطحی‌نگر است که قطعاً شکل نگاهشان نه مبتنی بر آموزه‌های دینی است و نه ذات انقلاب اسلامی، ولی متأسفانه هستند و با همین نگاه، به نام دفاع، بیشترین ضربه‌ها را به دین و انقلاب می‌زنند.

پانویس

- ۱- آن دوره فیلمساز فقید سیف‌الله داد، معاون سینمایی ارشاد بود. یادش گرامی.
- ۲- آن دوره محمد حسن پزشکی، معاون سینمایی ارشاد بود. خداوند سلامت و سربلند بدارد آن بزرگوار را.